

فال نیک آن روز را جشن کردند و هر سال تا به امروز، آیین آن پادشاهان نیک عهد را در ایران و دور آن به جای می‌آورند.» همچنین در روایات دیگر به گفته‌ی بیرونی، بیهقی و گردیزی؛ جشن سده یکی از ۳ جشن بزرگ ایرانیان است که در دوران اسلامی تا اواخر دوران خوارزمشاهیان و حمله مغول دوام آورد و هم سلاطین و امیران و هم مردم عادی این جشن را برپا می‌داشتند. مشهورترین و بزرگ‌ترین جشن سده در زمان مردآویج در سال ۳۲۳ در اصفهان برگزار شده و دیگری، جشن سده دوران مسعود غزنوی در سال ۴۳۰ هجری است که به آن روز مهرایزاد هم می‌گفته‌اند.

کرمان، مهد برپایی جشن سده است

جشن سده استان کرمان، نه تنها در ایران که در دنیا بی‌نظیر است. این جشن از جمله جشن‌های کهن ایرانی است که از ده‌ها سال قبل از اسلام در ایران رواج داشته. ایرانیان همواره به ۴ رکن مقدس که یکی از آن‌ها آتش بوده احترام می‌گذاشته‌اند. آئین مقدس اسلام هم برای روشنایی و گرما همواره احترام قائل بوده و می‌توان گفت در همه ادیان، روشنایی و گرما محترم و تاریکی مذموم بوده. پیروان زرتشت همواره عبادات خود را در مقابل نور و آتش انجام می‌دهند اما این مسئله به معنای آتش پرستی آن‌ها نیست بلکه نشان‌دهنده حرمتی است که برای آتش قائل هستند. شکوه جشن سده را باید در کرمان دید. اگرچه در سایر شهرها چون یزد، شیراز و اصفهان نیز این مراسم برگزار می‌شود. مثلاً در حسن آباد یزد برای برپایی سد تنها بر پشت‌بام منازل آتش کوچکی روشن می‌کردند شبیه آتش چهارشنبه‌سوری اما عظمت جشن سده در باغچه بداغ آباد کرمان چیز دیگری است.

در گذشته‌های نه‌چندان دور این مراسم حتی در کرمان هم روی پشت‌بام‌ها برگزار می‌شد و آن‌طور که پیداست در زمان جنگ تحمیلی هم به برگزاری جشن سده تاکید داشته‌اند، ولو با شدت و شکوه کمتر. قبل از این که باغچه بداغ آباد بشود مامن اصلی برپایی جشن سده؛ این مراسم را کرمانی‌ها در جاده کوهپایه و در محلی بنام «باب کمال» برگزار می‌کردند. حالا حدود ۸۰ سال است که باغچه بداغ آباد، آغوش خود را به روی هرم سوزان آتش‌های جشن سده گشوده‌است. در قدیم جشن سده را یک جشن مهم تلقی می‌کرده‌اند آن‌چنان‌که تاثیر آن را در زندگی مردم عام

به‌خوبی می‌توان دید. مردم در قدیم هر کار زراعی را بعد از سده انجام می‌دادند و معتقد بودند گله حیواناتشان بعد از سده زاد و ولد می‌پردازد. یا کرمانی‌ها آتش سده را بسیار مقدس می‌دانسته‌اند و هنوز هم در بین آن‌ها رسم است که کشاورزان از خاکستر آتش جشن سده بر زمین‌هایشان می‌پاشند چراکه عقیده دارند خاکستر آتش سده به زمین برکت می‌دهد و آن را بارور می‌کند.

آتش در نگاه شاعران قدیمی ایران‌زمین هم حضور پررنگی داشته چنان‌که حافظ گفته «در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد/ عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد» یا مولوی آتش را بانگ نای خوانده «آتش است این بانگ نای و نیست باد/ هر که این آتش ندارد نیست باد. این شاعران روشنایی را مظهر وجود پروردگار می‌دانستند و چون آتش در دسترس‌ترین روشنایی بوده معنای خاصی در بین مردمان و به‌ویژه شاعران هر دوره تاریخی داشته. باور اعتدال پس از سده در نگاه نجومی به این واقعه هم گویای مطلب است. این نگاه نجومی می‌گوید «از شب یلدا که طول روز کوتاه‌تر از طول شب است، کم‌کم روزها بلندتر می‌شوند و در نتیجه هوا گرم‌تر می‌شود تا در نوروز که به اعتدال و مساوی بودن شب و روز می‌رسیم.

یکی از رسوم مهمی که در آیین سده و به‌ویژه در شهر سیرجان رایج است پخت یک کماچ مخصوص است که مهری مویدمحسینی به آن اشاره می‌کند «در سیرجان یک کماچ مخصوص خیلی بزرگ را آماده می‌کنند و وسط آن یک مهره یا یک سنگ کوچک قرار می‌دهند و خمیر کماچ را داخل آتشی که برای سده درست کرده‌اند می‌اندازند تا بپزد و در پایان مراسم، این کماچ را بین مهمانان تقسیم می‌کنند. هر کسی که مهره یا سنگ نصیبش شود باید پیش‌بینی کند که باران می‌بارد و اگر باران در تاریخ مشخص شده نیارد، باید کتک بخورد.

همان‌طور که سیاهی شب غلیظ‌تر می‌شود و آتش جشن سده به خاکستر نزدیک‌تر می‌شود، کم‌کم جمعیت از هیاهو می‌افتند. انگار خسته شده‌اند از بس که از روی آتش پریده‌اند؛ سرخی گرفته‌اند و زردی داده‌اند؛ هوا بوی هیزم سوخته می‌دهد و آن حجم بزرگ هیزم به کویه‌ای از خاکستر تبدیل می‌شود. مردمان که سده‌شان را سوزانده‌اند عزم رفتن می‌کنند و مراسم تمام می‌شود. سیاهی، شب را در بر می‌گیرد و شراره‌های کوچکی از آتش، زیر خاکستر جشن سده باقی می‌ماند تا ققنوس وار نوید بهار را، از دل خاکسترهای به‌جامانده برویاند...

عکس: محمد لطیف کار

